۱۲
انتشارات کلمه
دفتر هنر

# بیا ها

یک مقدمه و
۶ نمایشنامه

www.ketab.ir

حیدر حیدری‌نژاد (حیدر احمد)

سمت روشن کلمه
انتشارات

سرشناسه: احمد، حیدر، ۱۳۲۷
عنوان و نام پدیدآور: هابیا: یک مقدمه و ۶ نمایشنامه/
حیدر حیدری‌نژاد (حیدر احمد)؛ ویراستار هانا زارعی
مشخصات نشر: بندرعباس .
نشر سمت روشن کلمه، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۲۸۲ ص ۱۴/۵ در ۲۱/۵ س.
شابک: ۶-۷۰-۷۷۹۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: واژه‌نامه.
کتابنامه.
عنوان دیگر: یک مقدمه و ۶ نمایشنامه.
موضوع: نمایشنامه فارسی – قرن ۱۴
Persian drama -- 20th century
رده بندی کنگره: PIR۸۳۴۱
رده بندی دیویی: ۸فا۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۱۴۲۷۵

# هابیا

مولف: حیدر حیدری‌نژاد (حیدر احمد)
ناشر: سمت روشن کلمه
مدیر مسئول: یداله شهرجو
مدیراجرایی: هانا زارعی
ویراستار: هانا زارعی
صفحه‌آرا: اعظم حسین‌زاده
طراح جلد: سعید ایل‌بیگی
شابک: ۶-۷۰-۷۷۹۲-۶۲۲-۹۷۸
نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۴۰۱
چاپ و صحافی: پیشگام
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۷۰/۰۰۰ تومان

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴، پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم
تلفن: ۰۷۶۳۲۲۱۰۵۱۷
۰۹۱۷۳۶۵۷۰۵۰

Samtroshan@gmail.com
instagram.com/samt_roshan
www. samteroshan.com

www.ketab.ir

حق چاپ محفوظ است

## فهرست


به عنوان مقدمه سینما و تئاتر جاسک در خاطره من ۷
آرزوی من ..... ۱۱
شبیه خوانان تعزیه پیشکسوتان هنر نمایش ..... ۱۹
نمایش رشکی ..... ۲۲
تئاتر جاسک ..... ۲۳
ورود تئاترکلاسیک به جاسک ..... ۲۶
بنیانگذاران و پیشکسوتان تئاتر جاسک ..... ۳۳
هابیا ..... ۳۷
پایان یک نمایش ..... ۹۳
نمایشنامه گاردیل ..... ۹۷
نمایشنامه ترنشی ..... ۱۵۸
معنی شعرایوار ..... ۱۹۱
نمایشنامه میّار ..... ۱۹۲
نمایشنامه و اما بعد ..... ۲۲۴
نمایشنامه راه ..... ۲۴۰
تصاویر ..... ۲۵۶
واژه‌نامه ..... ۲۶۶


www.ketab.ir

# به‌عنوان مقدمه

**سینما و تئاتر جاسک در خاطره من:**
**ورود کودکانه من به سینما**

علاقه و عشق به هنر نمایش از زمان کودکی با من همراه بود. در ۹ سالگی و در کشور بحرین تقریبا بیشتر اوقات به سینما برایِنس (BRAINES) یا اوال (AWALL) برای دیدن فیلم می‌رفتم و اکثرا دور و بر سینماها پرسه می‌زدم و قطعات و فِرم فیلم هایی که از پنجره آپاراتخانه بیرون ریخته می‌شد. (در آن زمان کار دور ریختن قطعات فیلم برش داده شده به این شکل متداول بود.) جمع‌آوری و در یکی از پستوهای تاریک منزل با یک کارتن، یک عدد ذرّه‌بین، یک صفحه مدور نصب فیلم و یک عدد چراغ قوه (اجازه نداشتم از برق استفاده کنم.) دستگاه ساده‌ای ابداع کرده بودم و به صورت اسلاید، فیلم نمایش می‌دادم و تنها تماشاگر این فیلم‌ها دوستی بود به نام یوسف که بزرگ‌ترین آرزوی مادرش سفر به ایران و زیارت مشهد بود. سال ۱۹۵۷ میلادی در همان سال ها بود که فیلم حماسی و درام

www.ketab.ir

مادر هند به کارگردانی محبوب‌خان و بازی درخشان نرگس، سونیل دات، راجندراکمار و راج کاپور، از این کشور ساخته شد و برای اولین بار من این فیلم را در سینمای (BRAINES) بحرین و در جوار مرحوم پدر که در آن زمان در شرکت نفتی بی‌پی (BP) کار می‌کرد و به مرخصی آمده بود، به تماشا نشستم و بسیار تحت تأثیر فضای دراماتیک فیلم قرار گرفتم.

بعدها یعنی در اواخر دهه سی شمسی و در بازگشت به ایران، این شیوه نمایش اسلاید فیلم با کمك و یاری دوست گرامی‌ام آقای غلامعلی جمشیدزاده در جاسك پی گرفته شد و محلی در منزل ایشان به همین منظور آماده گردید. استقبال زن و مرد از نمایش اسلاید فیلم و با صدای هنرمند پیشکسوت سینمای جاسک، غلامعلی جمشیدزاده که خوانش و گفتار فیلم را به عهده داشت، بی‌سابقه بود (مثلاً اسلاید فیلم پرتگاه مخوف) و این نحوه نمایش فیلم برای تماشاگران بسیار هیجان‌انگیز به نظر می‌رسید. گرچه مردم جاسك قبل از آن تاریخ با نمایش فیلم متحرك از طریق نمایش فیلم توسط شرکت‌های خارجی حاضر در این بندر آشنا بودند ولی این شیوه نمایش و گفتار روی فیلم که با مهارت و هنرمندی تمام انجام می‌گرفت، برایشان تازگی داشت و از آن استقبال می‌کردند. (جالب اینکه در آن فضای کوچک سالن نمایش، تنقلات هم توسط بانویی بنام زبیده بندری ارائه می‌گردید.) همین موضوع

www.ketab.ir

ما را بر آن داشت که به طور جدی برای ساخت فیلم اقدام کنیم. موضوعی که پیش از آن، هنر تئاتر این انگیزه و آمادگی را در ما ایجاد کرده بود و سرانجام آقای جمشیدزاده در سال‌های ۵۵-۱۳۵۴ فیلم (دود) را که اولین فیلم تهیه شده توسط هنرمندان جاسک بود، با شرکت غلام محمد عباسی جاسکی و بانو زبیده بندری تهیه نمود. من و جمشیدزاده عزیز در هر فرصتی که پیش می‌آمد، بر بال رؤیای فیلمسازیمان سوار می‌شدیم و دوربین‌هایمان را بر سقف بام شهر از تلگرافخانه تا بلندای بادگیر ساختمان دارایی قدیم می‌کاشتیم و خیابان اصلی شهر و محله‌های کودکیمان را نشانه می‌رفتیم تا در خیالمان زیباترین و بلندترین فیلم پانارامای جهان را بسازیم (و جالب اینکه جمشیدزاده با صدایی که با مهارت تمام از دهانش تولید می‌کرد، صدای حرکت دوربین ها و موتورشان راهم درمی آورد.) و چه خیال‌پردازی‌های شیرینی داشتیم آن روزها... و بی‌خود نبود که ما دو نفر در شهرمان به فلینی‌های محله سرکله معروف بودیم. (فدریکو فلینی کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایتالیایی (۱۹۲۰-۱۹۹۳) زیباترین فیلمش «هشت ونیم» با بازی مارچلو ماستریانی برنده دو جایزه اسکار، بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان (خارجی) بهترین طراحی لباس برای فیلم سیاه و سفید در سال ۱۹۶۳)

www.ketab.ir

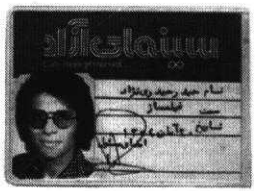


نگارنده در سال ۱۳۵۲ رسما به عضویت سینمای آزاد درآمدم و فیلم تشاله (TESHALEH) را در سال ۱۳۵۴ با بازیگری مرحوم غلام شهروزی وخانم زینب حیدری‌نژاد و موسی حیدری و با همراهی رضا افضلی

(عکاس) جهانگیر دریایی (تدارکات) و خانم نصرت مرادی به‌عنوان منشی صحنه و با استفاده از خانه مرحوم جمعه عمرانی از بازنشستگان شهربانی سابق جاسک، به‌عنوان لوکیشن (فضای عمومی چاه‌های مسافری و محل امروز شرکت هواپیمایی دوبال) کلید زدم که متأسفانه به‌دلیل عدم امکانات مربوط به امور فنی تهیه فیلم و طولانی بودن فیلمنامه، این تلاش نیمه‌کاره ماند.

در آن زمان، این فیلم‌ها به شیوه ۸ میلیمتری تهیه می‌شد.

www.ketab.ir

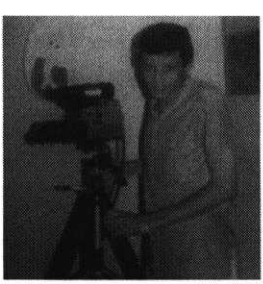

غلامعلی جمشیدزاده، سازنده فیلم دود

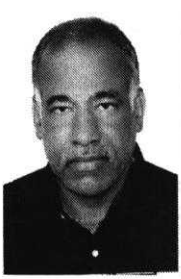

غلام محمد عباسی جاسکی، بازیگر فیلم دود ساخته جمشیدزاده